

پول اول بود یا حسابداری؟

چرا حسابداران همه‌ی رویدادها را به پول تقویم می‌کنند

محمد شلیله

هدف بررسی‌های مربوط به مقاله‌ی حاضر در آغاز فراهم آوردن متنی در زمینه‌ی منشاء، ماهیت و کارکردهای "پول" و کاربرد آن در حسابداری بود. اما چندی از بررسی‌های پیش‌بینی شده نگذشته بود که نویسنده خود را با حوزه‌ای گسترده و عرصه‌های متنوعی از بحث و بررسی و منابع متعدد درباره‌ی مقوله‌های پیشگفته روبه‌رو یافت که ادامه‌ی آن به زمانی طولانی‌تر و حتی به همکاری جمعی که هر یک از زوایای مختلف کار را پیش برند نیاز داشت. با این وصف یافته‌های جستجوهای مقدماتی تا همان جا که کار پیش رفته بود را در مقاله‌ی حاضر گنجانیدیم، با این تاکید که با توجه به محدود شدن دامنه‌ی بررسی‌ها این نوشته از جنبه‌ی روش شناختی با یک مقاله‌ی تحلیلی-توصیفی عرفی همسطح نیست. محتوای آن تا آنجا که به بحث کوتاه رابطه‌ی پول و حسابداری می‌رسد در برگیرنده‌ی انتقال مستقیم اطلاعات و یافته‌های برگرفته از منابعی است که فهرست آنها در پایان آمده است، اما بحث کوتاه پایانی پول و حسابداری که به نوعی ارزیابی و آزمون آرا و دیدگاه‌های عرضه‌ی شده درباره‌ی پول در حوزه‌ی حسابداری است، حاصل قضاوت و نتیجه‌گیری

نویسنده است.

این متن یک کاستی دیگر هم دارد و آن اینکه به دلیل فراوانی دفعات ارجاع به منابع مورد استفاده، از عطف مکرر به آنها در متن پرهیز، و به عرضه‌ی فهرست منابع در پایان بسنده کرده‌ایم. مقاله با "وصف پول" از دیدگاه‌های گوناگون آغاز می‌گردد، با طرح "واقعیت و ویژگی‌ها"ی آن ادامه می‌یابد؛ سپس "کارکردها" و "آثار اجتماعی" آن مورد توجه قرار می‌گیرد و با بررسی مختصر "پول و حسابداری" به پایان می‌رسد.

وصف پول

با اینکه دو هزاره از اندیشیدن درباره‌ی پول و توصیف آن به شیوه‌های گوناگون می‌گذرد تا این زمان شاید وصفی روشن‌نگرتر از اینکه: "پول پول است" یا: "پول چیزی نیست، جز پول"، واقعیت جامعه زاد پول را با روشنی قانع‌کننده‌تری توصیف نکرده است. از همین روست شاید که این گفته‌ی جان مینارد کینز^۱ که فقط سه نفر را می‌شناخته که پول را واقعاً می‌فهمیدند؛ یک استاد دانشگاه، یک دانشجو و یک صندوقدار تازه کار بانک، هنوز به یاد مانده است.^۲ اما وصفی هم از این گونه که: "پول یکی از تکان‌دهنده‌ترین ساده‌سازی ایده‌ها در تمام دوران هاست" قابل انکار نیست.

پول را "معنا دارترین عینیت در زندگی معاصر که تنها غذا و رابطه جنسی با آن رقابت می‌کنند" نیز توصیف کرده‌اند؛ و همچنین گفته‌اند: "پول یک دگرگونی بنیادی در جامعه‌ها ایجاد کرده و بیش از این به تغییری انقلابی و تعیین‌کننده در تصویر جهان انجامیده است. کارل مارکس^۳ پول را هوش واقعی چیزها خوانده است. او اظهار نظر یکی از نمایندگان پارلمان انگلیس را که زمانی گفته بود: "حتی عشق هم مردان را آنچنان که پول نفریفته"، پسندیده است.^۴ گئورگ زیمل^۵ و مک فارلین^۶ معتقد بودند: "پول نمای کاملاً متفاوتی به جهان داده است".^۷ میشل فوکو^۸ که معتقد بود قدرت برای صیانت از خود، خود را پنهان می‌کند، پول را یکی از مخفی‌گاه‌های ما فوق سری قدرت توصیف کرده است.

با اینکه پول را "دومین اختراع بزرگ انسان بعد از خط" دانسته‌اند اما نظر غالب این است که پول اختراع یا دستاورد اقدامات برنامه‌ریزی شده از پیش نبوده و خود به‌خود پدیدار شده است. برخی مرتبه‌ی پول را تا حد "یک حقیقت مسلم" بالا برده‌اند. اما در مقام مقایسه، پول را در مقابل "زمان" هم قرار داده‌اند؛ منتها با این فرض که زمان،

بخشی از تجربه‌ی زیست اجتماعی انسان است و انسان آن را کشف کرده است؛ در حالی که پول را انسان پدید آورده است و به فرض محال هم که شده اگر جامعه‌ای بتواند بدون پول به فعالیت‌های اقتصادی خود ادامه دهد و بدیلی برای پول ابداع کند، بدون زمان زندگی متوقف خواهد شد. با این وصف شماری از صاحب‌نظران پول و زمان را همسنگ و از جهاتی همجنس دانسته‌اند؛ حال آنکه کسانی همسان پنداشتن زمان و پول را ساده‌اندیشی ارزیابی کرده‌اند و شباهت این دو را به شباهت پنیر و گچ مانند کرده‌اند. در این میان دیوید ریکاردو^۹ پول را هم عرض طول و وزن و زمان دانسته است. ادعای او این است که هیچ‌یک از این ابعاد قابل اندازه‌گیری نیستند، مگر این که چیزی که به ذات قابلیت اندازه گرفتن هر یک از آنها را داشته وجود داشته باشد. با این وصف کسانی هم معتقدند که پول هم‌تراز ابزارهای اندازه‌گیری طول و وزن و زمان نیست و پول از ساخت اجتماعی برخوردار است. کینز موافق نظریه‌ی اخیر است.

گوناگونی اوصاف پول به نمونه‌های برشمرده بالا محدود نیست. سابقه‌ی تاریخی وصف پول به زمان ارسطو^{۱۰} برمی‌گردد، در حالی که هر چه زمان گذشته و استفاده از پول رواج بیشتری یافته، تا امروز که رواج عام یافته است وصف پول دقیق و واقع‌بینانه‌تر شده است؛ از جمله وصفی از این دست در دوران اخیر که پول را: "ابزاری غیر شخصی، یگانه، غیر قابل جانشینی و جوهر عقلانی‌گری تمدن مدرن" توصیف کرده است؛ در همان حال که آن را "موجودیتی خنثی دانسته‌اند که تمام ویژگی‌های کیفیتی چیزها را از میان بر می‌دارد" و سرانجام "لازمه‌ی رسیدن

به هر نوع شادمانی و خرسندی مشخص در زندگی را تصاحب مقدار دلخواه پول دانسته‌اند".

واقعیت و ویژگی‌ها

پول را یک شیء یا چیز (ابژه‌ی) خنثی دانسته‌اند. چنان‌که گفته شد، برخی معتقدند پول به صورت خودبه‌خودی و مستقل از شرایط اجتماعی پدید آمده است. حال آنکه در برابر آنها شماری عقیده دارند پول موجودیتی مشروط واقعی است؛ یک ضرورت اجتماعی و اقتصادی که در شرایط اجتماعی و اقتصادی مشخص ظهور پیدا کرده است. کسانی هم ظهور پول را علاوه بر ارتباط با تحقق مجموعه‌ای از شرایط اجتماعی و اقتصادی، با تحولات فن شناختی و الزامات قانونی همپيوند دانسته‌اند. اما پول را یک نهاد انسانی^{۱۱}، به مفهوم پدیده‌ی انسانی^{۱۲}، هم دانسته‌اند؛ با این فرض که از نظر منطقی پول مستقل از نیازهای انسان نمی‌توانسته پای به عرصه‌ی حیات بگذارد. اما می‌دانیم که پول در شرایط اجتماعی و اقتصادی که مبادله در آن انجام نمی‌گرفته وجود نداشته است. تا این زمان هر گونه شواهدی که در مورد منشأ پول عرضه شده در جامعه‌هایی بوده که در آنها مبادله انجام می‌گرفته است. گرایش عام وجود دارد که پول دست کم حاصل قصد و برنامه‌ریزی از پیش طراحی شده نبوده است. کارل مارکس تولید برای مبادله را عامل زیربنایی ظهور پول به عنوان وسیله‌ی مبادله دانسته و توضیح می‌دهد که امر مبادله خود با ظهور پدیده‌ی "تقسیم کار"^{۱۳} و "محصول اضافی"^{۱۴} پیوند دارد که بارها به عنوان پیش زمینه‌ی شکل گرفتن پول به‌وسیله‌ی نظریه‌پردازان با گرایش‌های نظری گوناگون هم مورد تأکید قرار گرفته است. برخی پژوهشگران طرح

مسئله‌ی اضافه تولید به عنوان منشأ پول را به ارسطو^{۱۵} نسبت داده‌اند. البته در اینکه ارسطو برای مبادله در میان عوامل شکل گرفتن پول نقش درجه اول قائل بوده تردید نیست؛ با این استدلال که مبادله از نابرابری ثروت سرچشمه می‌گیرد و مبادله بین کسانی که ثروت (دارایی) بیشتری دارند با آنها که کمتر دارند انجام می‌گیرد. در واقع آنچه ارسطو نیز به آن نظر دارد به محصول اضافی بر می‌گردد. واقعیت هم این است که مادام که محصول اضافی تولید نشود مبادله‌ی صورت نمی‌گیرد. آدام اسمیت^{۱۶} نیز در کتاب "ثروت ملل"^{۱۷} آنجا که به طرح پیش زمینه‌های پدیدار شدن پول می‌پردازد برای پدیده‌ی تقسیم کار در این زمینه تقدم قائل شده است. او هم ظهور پول را زمانی می‌داند که تقسیم کار پدیدار شده بود. آدام اسمیت در مرحله‌ی بعد به اتکا یا به نیاز عاملان اقتصادی به محصولات یکدیگر به عنوان عاملی در پیدایش پول اهمیت داده؛ با این استدلال که هر تولیدکننده‌ای قادر است فقط بخش کوچکی از مجموعه‌ی نیازهایش را تولید کند و در مورد بقیه‌ی نیاز خود به محصولات اضافی تولید شده به وسیله‌ی دیگران محتاج است. در واقع به دیده‌ی آدام اسمیت هم پیش زمینه‌های ظهور پول، بعد از تقسیم کار، یکی محصول اضافی است و دیگری مبادله‌ی این حصه‌های اضافی محصول است. نظریه‌ی آدام اسمیت در مورد پیدایش پول را به صورت فشرده این گونه می‌توان توضیح دارد که تقسیم کار به تولید محصول اضافی می‌انجامد و محصول اضافی زمینه‌ی مبادله را فراهم می‌آورد. فرایند شکل گرفتن پول از نظر مارکس در برگیرنده‌ی سه بعد اساسی است؛ "محصول"، "کالا" و "پول"؛ در واقع فرایند تبدیل "محصول"، به "کالا"



به مفهوم محصول اضافی برای مبادله، و کالا به پول؛ سه بعدی که در هم تنیده اند. تغییر وضعیت محصول در مناسبات اقتصادی به کالا برای فهم نظریه‌ی مارکس در مورد منشاء پول اهمیت اساسی دارد. مارکس دو بعد متضاد را در هر کالا یافته است؛ یکی ارزش استفاده (استفاده‌ی شخصی تولیدکننده) و دیگری ارزش مبادله. او می‌گوید تغییر محصول به کالا به علت ارزش مبادله است که منشاء پول است. مارکس فرایند به "پول" تبدیل شدن "کالا" را فرایند "جسمیت یافتن"^{۱۸} تعبیر کرده است؛ فرایندی که طی آن موجودیت مفروض، نسبت به وضعیت پیشین (نخست) خود استقلال می‌یابد. تحقق این فرایند در مورد پول به آن موجودیت ذخیره‌ی ارزش بودن می‌بخشد. مارکس طلا را نماد تمام عیار پول کالایی که اندازه‌ی معینی از آن مابه‌ازاء مقدار معینی از کالای قابل مبادله بوده توضیح داده است. از نظر او پول هم در اصل یک کالا است که در آغاز یک چیز واقعی بوده که از ارزش استفاده و ارزش مبادله برخوردار بوده است، تا این که بعدها، ماهیت کالایی آن به تجسم پول بودن تغییر می‌یابد؛ از قدرت خرید بهره‌مند می‌گردد و امکان تملک هر چیز را فراهم می‌سازد و قدرت می‌گیرد. او که مالکیت را رابطه‌ی بین اشخاص و چیزها توصیف می‌کند معتقد است پول بین اشخاص و چیزها قرار می‌گیرد. البته برخی معتقدند پول فقط یک میانجی است؛ از این قرار وجه کالایی آن در مقام پول جایی ندارد، بلکه آنچه که به پول قدرت عمل می‌بخشد، عینیت تردیدناپذیر آن است. در همین راستا پول غایت شیء شدن توصیف شده است. زیمل گفته است پول از قابلیت غیر مشروط برخوردار است. شماری هم تقلیل پول به یک کالا، یا نماد کالا، یا

بازنمای ارزش را رویکردی ایدئولوژیک دانسته‌اند.

تاکنون اشیاء متعددی به عنوان پول در طول تاریخ استفاده شده است؛ از جمله: کهربا، دانه (مثل دانه‌های تسبیح)، صدف، تخم مرغ، پر، عاج، یشم، چرم، حصیر، ناخن، گاو، خوک، الماس، برنج، نمک، انگشتانه، ودکا، صدف، کتری، الیاف. این‌ها نمونه‌های سنتی پول‌اند. اما انواع پول مدرن در برگیرنده‌ی طلا، نقره، مس و ۲۳۰ نوع متفاوت پول کاغذی است. اولین پول کاغذی در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۶۰-۱۲۶۳ میلادی به وسیله‌ی کوبلای خان^{۱۹} فرمانروای مغول که بر بخشی از چین سیطره داشت منتشر شده است. پس از آن در دوره‌ای بین سال‌های ۱۲۶۴-۱۲۹۴ بود که بار دیگر پول کاغذی منتشر شد. این زمان بود که انتشار پول به عنوان وسیله‌ی مبادله و پرداخت بدهی از پشتیبانی قانون برخوردار شد، که تایید می‌کند چینی‌ها برای نخستین بار در قرن سیزدهم پول کاغذی را به عنوان وسیله

مبادله با پذیرش عام مورد استفاده قرار دادند. اشکال پول مثل سکه، اسکناس، چک مسافرتی و پول الکترونیکی برخلاف خود پول حاصل اختراع بودند و منشاء پیدایش آنها مشخص است.

کارکردها

تعریف ناپذیری پول سبب شده که اغلب اقتصاددان‌ها به توصیف کارکردهای پول اکتفا کنند. به کارکردهای متعدد پول در بیشتر منابع مربوط به بررسی پول پرداخته‌اند؛ از جمله به عنوان واحد شمارش، اندازه‌گیری ارزش، وسیله‌ی مبادله، وسیله‌ی پرداخت، ذخیره‌ی ارزش و مبنای باز پرداخت بدهی. پول همچنین نمایشگر سود تاجر و بهره‌ی استفاده‌کننده از پول و وسیله‌ی (مکانیسمی) برای شکل‌گیری ثروت و عمل استقراض است. همین چند کاره بودن پول است که آن را به عنوان مقیاس تعیین ارزش مبادله استاندارد کرده است و مقایسه‌ی مقداری دو چیز ناهمسان با یک مقیاس واحد یا مشترک را امکانپذیر ساخته است؛ استاندارد‌ی که همگان آن



که طبیعی می‌نماید برخوردار می‌شوند که در مناسبات مالکیت، رابطه‌ی بین کالاها با یکدیگر را، مستقل از دخالت عامل انسانی، برقرار می‌سازد. از سوی دیگر پول رسانای ارزش چیزها (به‌ویژه در کاربرد حسابداری) ست. پول با این دو کارکرد بیانگر آن است که پول هم وسیله‌ی مبادله است هم وسیله‌ی انتقال ارزش؛ در غیر این صورت انجام تجارت بدون اینکه ارزش کالاهای مورد معامله با مقیاس ثالثی اندازه‌گیری شود، امکانپذیر یا به این آسانی امکانپذیر نبود و امکان مقایسه کالاها حتی در مواردی که شباهت قابل توجهی هم داشتند باز یا دشوار بود و یا در مواردی به تقریب ناممکن، که با وجود پول تعیین ارزش کالاها صورتی متوازن یافت و به انجام مبادله وضعی سیستماتیک و پیش‌بینی‌پذیر بخشید.

پول قابلیت ذخیره‌کردن ارزش را هم دارد و به دلیل قابل تبدیل بودن به هر کالایی می‌تواند بازنمای ذخیره‌ی ارزش و انباشت ثروت باشد و هست. کارکرد ذخیره‌ی ارزش بودن پول سبب شده است که مردم بخشی از ثروت خود را به صورت پول نگاه‌دارند، در حالی

بدین ترتیب، پول که همه چیز را با معیار منحصر به فردی اندازه می‌گیرد، تفاوت‌های کیفیتی را به تفاوت‌های کمی صرف تقلیل می‌دهد. به نظر زیمل تنها پول است که از کیفیت عاری است و منحصر به دلیل کمی بودن شناخته می‌شود. به بیان زیمل: "پول همه تمایزهای کیفی میان کالاها، به یکسان به اعداد قابل محاسبه در سیستم اعداد در می‌آیند." ادعایی مطرح است که تقلیل کیفیت به کمیت یکی از گرایش‌های عمده‌ی زندگی اجتماعی است که پول در بالاترین سطح و به صورتی تمام عیار و استثنایی به انتظارات چنین گرایشی تحقق بخشیده است. مارکس (۱۹۶۱)^{۲۰} پول را هم سطح کننده‌ی^{۲۱} قاطع به‌دور از همه‌ی تفاوت‌ها توصیف کرده است. در واقع پول داد و ستدهای چند جانبه را بدون این‌که وارد ماهیت تفاوت‌های ذاتی اقلام مورد مبادله شود، به صورت مستقل با یک معیار واحد به سنجش می‌گیرد. بدین ترتیب پول کارمبادله را بر خلاف اصول مقدماتی حساب، که جمع کردن مرغ با گاو را ناممکن می‌داند، ممکن ساخته است. با وجود پول، کالاها از بها (قیمت)یی

را پذیرفته‌اند و به کار می‌گیرند. فوکو این کارکرد پول را با واقعیت مادی پول مرتبط می‌داند؛ که آن را به صورت مقیاسی ثابت که تمام افراد در تمام مکان‌ها آن را به رسمیت می‌شناسند درآورده است. بدین ترتیب پول تبیین‌کننده‌ی مقداری روابط اقتصادی بین چیزها، در مفهوم انتزاعی (مجرد) است؛ بدون اینکه در این مناسبات مداخله نماید. تنظیم گزارش‌های اقتصادی و گزارش‌های مالی هم با وجود پول امکانپذیر شده است.

در مفهوم ریاضی، پول نوعی مقیاس (مخرج) مشترک است، که ارزش کالاهای متفاوت را به یک واحد به رسمیت شناخته شده تقویم می‌کند. در این مفهوم "پول" چیزی بیش از اطلاق نامی بر یک شیئی که بازنمای اندازه‌ی واحد پولی هر کالا باشد، نیست؛ یک واحد تجزیدی استاندارد تعیین ارزش؛ در غیاب هرگونه معیار اندازه‌گیری مقایسه شدن ارزش، یا به عنوان قابلیت ذاتی تقویم به آن واحد تجزیدی استاندارد؛ یعنی همان فرایندی که مبادله‌ی کالاها را با هم امکانپذیر می‌سازد. در این مفهوم پول به رغم عینیت و جسمیت آن واقعی‌تری قراردادی است تا واقعی.

که آنها دارایی خود را به صورت‌های گوناگون دیگر هم می‌توانند نگه‌دارند، مگر اینکه قابل تبدیل به نقد بودن دارایی آنها اولویت اول را داشته باشد؛ حال آنکه مردم در گذشته‌های دور محصول اضافی خود را به همان صورت که بود نگهداری می‌کردند، و برای نگهداری آن در حجم زیاد هم می‌بایست هزینه‌ی نگهداری آن را تحمل کنند، هم احتمال ضایع شدن، و هم خطر مفقود شدن یا دزدی را. افزون بر این پول قادر است مطلق ارزش را به عنوان قدرت خرید (با صرف نظر کردن از تاثیر تورم) برای مدت نامحدود در خود ذخیره کند. آلفرد مارشال^{۲۲} گفته است پول به‌ویژه از آن جهت مهم است که قدرت خرید عمومی را بازتاب می‌دهد. به دیده‌ی مارشال این‌که وقتی ما می‌خواهیم کسی کاری برای ما انجام دهد، به او پرداخت مقداری پول را پیشنهاد می‌کنیم از این روست که پول کارآترین روش اندازه‌گیری و در عین حال برانگیزاننده‌ی افراد در انجام کار است. در همین راستا پول را قدرت خرید انتزاعی توصیف کرده‌اند.

دیدگاهی بر آن است که پول از یک سو جریان تجارت را انعطاف پذیر ساخته است؛ به این معنی که هر شخص با داشتن پول می‌تواند یک چیز یا چیز دیگری را تهیه کند و از سوی دیگر به تاجر نوعی آزادی تفویض کرده که به جای خرید چیزی دیگر، خود پول را نگه‌دارد تا زمانی دیگر که به آن چیز نیاز پیدا کرد آن را بخرد. با پول می‌شود تصمیم‌گیری را به تعویق انداخت؛ در آن تجدید نظر کرد؛ از آن صرف نظر کرد یا بعد مجدداً همان تصمیم را گرفت. این کارکرد پول همان است که برخی به عنوان مهمترین واقعیت در میان دیگر واقعیت‌ها در مورد پول از آن

یاد کرده‌اند؛ یعنی کارکرد پول در انجام محاسبات مرتبط با تصمیم‌گیری‌های اقتصادی. این ویژگی پول افزون بر آنچه به عنوان مبنای اندازه‌گیری ارزش از آن یاد شد، قابلیت محاسبه‌ی هزینه-فایده، یا سود و زیان بالقوه و واقعی، تعیین میزان بدهی و قیمت را هم دارد. اما پول از نوع دیگری انعطاف نیز برخوردار است؛ و آن سازگاری با تغییرات شرایط اقتصادی و تجاری متفاوت است. پول مالکیت با فاصله را امکانپذیر ساخته است. در واقع با وجود پول می‌توان انتفاع را به آسانی از نقطه‌یی به نقطه‌ی دیگر منتقل کرد و جدایی بین مالک و مال (دارایی) را امکان‌پذیر ساخت. از نظر زیمل اقتصاد مبتنی بر پول، انقیاد شخص در ترتیبات سنتی را از طریق اعطای فرصت برای انتخاب شرایط و گزینش طرف‌های معامله از میان برداشت.

آثار اجتماعی

"پول" صرف‌نظر از ویژگی‌ها و کارکردهایی که دارد، مثل "خط" و "عدد" یکی از ضروریات اجتماعی است. پول را مبنایی برای توسعه‌ی عقلانی شدن زندگی اجتماعی دانسته‌اند و اینکه نوعی عقلانی‌گری بر روابط بین فردی حاکم کرده است. چارلز اچ کولی^{۲۳} در مقاله‌یی در سال ۱۹۱۳ در دفاع از پول (به اعتبار متن مقاله‌ی او: دلار) نوشته، این اصل که هر چیز باید قیمتی داشته باشد همه چیز را در نظامی مورد قبول عام قرار داده و به سنجش و مقایسه‌ی چیزها انتظام معنی دار بخشیده است. زیمل می‌گوید پول از این جهت که جهان را به عرصه‌ی مسئله‌ی ریاضی وارد کرده به مناسبات اقتصادی نظامی عقلانی بخشیده است. دیگران هم بر ویژگی عقلانی^{۲۴} شدن جامعه‌های مدرن در اثر ظهور و گسترش کاربرد

پول به عنوان یکی از پایه‌های تحلیل تجریدی^{۲۵} تأکید کرده‌اند. این دیدگاه با نظریات آن دسته از اقتصاددان‌ها که ظهور و گسترش استفاده از پول را درونمایه‌ی عقلانی شدن روابط اقتصادی در جامعه‌ی مدرن می‌دانند، همراه است. با این وصف دیدگاهی هم در میان است که پول همزمان از ساختارهای فرهنگی و اجتماعی تاثیر می‌پذیرد و بر این نهادها تاثیر می‌گذارد. اما برخی از جمله شومپتر^{۲۶} گستره‌ی تاثیر پول بر زندگی اجتماعی را عمیق‌تر توصیف کرده است و گفته است افزون بر اینکه پول ابزار محاسبات هزینه - فایده است، به نوعی منطق، نگرش و به روشی مداخله‌گرانه، که عقلانیت و فلسفه‌ی انسان را به انقیاد خود درآورده، تصویر عالم را تغییر داده؛ چشم‌انداز زندگی را دگرگون کرده، حتی به عرصه‌ی پزشکی دامن کشیده و در یک کلام بر هر چیز و همه چیز تاثیر نهاده است، حتی بر مفهوم زیبایی، عدالت و جاه طلبی‌های معنوی. زیمل در فلسفه‌ی پول^{۲۷} نتیجه‌گیری کرده که پول عاری بودن از احساسات در فرهنگ را ترویج کرده است. برخی متفکران سنتی اقتصاد هم معتقد بودند که پول به برتری "بازار" در مقایسه با سایر نهادهای اجتماعی انجامیده است، و به کاتالیزور فراگیر ابزاری شدن زندگی اجتماعی مدرن بدل شده است. در همین زمینه زیمل پول را نخستین نمونه‌ی ابزاری رویکرد حسابگرانه به مناسبات اجتماعی و اقتصادی خوانده است. او ظهور پول در زندگی مدرن را به عنوان ظهور گرایشی در راستای تقلیل موجودیت کیفی به کمی توصیف کرده است. دیگران توضیح داده‌اند ظهور و رواج حسابگری^{۲۸} بر مبنای پول بود که سبب شد مناسبات اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر پول بر صورت‌بندی‌های

مناسبات اجتماعی و اقتصادی پیش از ظهور پول چیره شود و به تقدم عقلانیت بر سلطه‌ی نگرش‌های ذهنی بینجامد.

از جمله آثار اجتماعی و البته فرهنگی پول که متفکران علوم اجتماعی و اقتصادی بر آن تأکید کرده‌اند وجه شناختی^{۲۹} پول است. زیمل^{۳۰} وجه شناختی پول را در جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم واجد اهمیت تعیین کننده دانسته است. به عقیده‌ی او پول به انسان کمک کرد تا محاسبات عقلانی را در زندگی اجتماعی حاکم گرداند و تقویت کند. ساده‌شده‌ترین صورت یکی از دیدگاه‌های زیمل این است که پول را یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل جایگزین کردن مناسبات مبتنی بر نفع شخصی، ساختارمند، متکی بر قوانین و مقررات و مبتنی بر تناسب بین وظیفه و مسئولیت^{۳۱} با مناسبات مبتنی بر همکاری، مشارکت جویی و منفعت جمعی^{۳۲} دانسته است. بر همین قیاس، چنانکه پیش از این نیز گفته شد، روابط حسابگرانه را جایگزین اعتماد و تعهد اشخاص به یکدیگر کرده است و دغدغه‌های مادی را به جای آرمان‌های فرهنگی نشانده است. شومپتر می‌گوید فرایند سرمایه‌داری نظامی فایده (سود) گرایانه را پدید آورده است که وجه معنایی امور و زندگی را تخریب کرده است. بُت‌وارگی^{۳۳} به معنای شیئی‌پرستی در مورد پول توجه بسیاری از متفکران علوم اجتماعی را بخود جلب کرده است. از نظر مارکس بت‌وارگی پول جزء جدایی‌ناپذیر سرمایه‌داری است و پول در مقایسه با کالا بیشترین بت‌وارگی را داراست.

بسیاری توضیح داده‌اند که پول شیوه‌ی فکر کردن مردم را تغییر داده است و رابطه‌ی بین اشخاص و خویشاوندان و سایر رابطه‌هایی از این دست بین مردم را کاهش داده است. مارکس نشان داده

است پول نه تنها روابط بین فردی را تضعیف کرده، بلکه ارتباط درونی اشیاء و اشخاص (افراد) را از میان برداشته است. مارکس در نوشته‌های نخستینش نسبت به قدرت پول در برهم زدن و مداخله در نظم طبیعی و کیفیت زندگی انسان و تعیین کنندگی قاطعی که در این زمینه برخوردار است هشدار داده است. زیمل (نیم قرن بعد) نظریه‌ی مارکس را تأیید کرده و افزوده پول همگن‌کننده‌ی وحشتناکی است که یگانگی ارزش‌های فردی و اجتماعی را مختل می‌کند؛ بدون اینکه خود پول محتوای ارزش اجتماعی و فرهنگی داشته باشد. از مارکس تا زیمل و تا یورگن هابرماس^{۳۴} و دیگران، تجاری و بازاری شدن را نتیجه‌ی گسترش پول دانسته‌اند و معتقدند این چگونگی به سطحی شدن روابط اجتماعی انجامیده است. برخی پول را که به نحو اجتناب‌ناپذیری همه‌ی تفاوت‌های فرهنگی را از میان بر می‌دارد، تفاوت‌های کیفی را دور می‌زند و روابط اجتماعی را غیر شخصی^{۳۵} کرده و از نظر شدت آزاری از این جهت دارد به اسید ماندش کرده‌اند. مارکس و زیمل با هم اتفاق نظر دارند که پول با رشد فردگرایی و تخریب همبستگی^{۳۶} جامعه‌ها همراه بوده است و سبب شده است افراد وابسته به یکدیگر از هم مستقل گردند، اگر چه از دیده‌ی زیمل پول از سوی دیگر وجه مشترکی در میان جامعه‌های مستقل پدید آورده است و با اینکه همبستگی اجتماعی را تضعیف کرده به تکوین نوعی یکپارچگی^{۳۷} هم در جامعه‌ها انجامیده است.

تالکوت پارسونز^{۳۸} پول را "تجسم نمادین" ارزش اقتصادی توصیف کرده است، که اقتصاددان‌ها از جنبه‌ی تکنیکی آن را به "فایده" اقتصادی تعبیر کرده‌اند. با این وصف او هم معتقد بود که اهمیت

فرهنگی - اجتماعی پول فراتر از فایده‌ی اقتصادی آن است. دیگران هم گفته‌اند معاملات پولی با طیفی از معانی فرهنگی احاطه شده است. پول را ابزار آزادی عمل اقتصادی و در همان حال پدیدآورنده‌ی شرایطی برای گسترش استقلال فرد و حتی به عنوان ابزاری که استفاده از آن با اعتماد و اطمینان همراه است ارزیابی کرده‌اند. صاحب‌نظران منتسب به مکتب تاریخی آلمان^{۳۹} و مکتب اقتصادی پسا کینزی‌ها^{۴۰} معتقدند که پول تنها یک موجودیت اقتصادی صرف نیست بلکه هویتی^{۴۱} اجتماعی و تاریخی است. آنها پول را در مجموعه‌ای از شرایط اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، فن شناختی و تاریخی قابل بررسی می‌دانند. آنتونی گیدنز^{۴۲} مدعی است پول به نحو متمایزی با زندگی اجتماعی پیوند دارد. او پول را "معرف نمادین"^{۴۳} توصیف می‌کند، که مناسبات اجتماعی را از زمان و مکان مشخص جدا (متنوع) ساخته است. یورگن هابرماس از این نیز فراتر رفته و پول را وسیله‌ای می‌داند که به وسیله‌ی آن سیستم اقتصادی از جریان عادی زندگی جدا شده است.

پارسونز همچنین پول را دارای قدرت و نفوذ سیاسی یافته است و آن را عاملی فوق‌العاده نیرومند در ایجاد تحولات فرهنگی و اجتماعی ارزیابی کرده است؛ همانگونه که دیگران نیز پول را دارای قدرت ذاتی دانسته‌اند و جلوه‌ی قدرت پول را در برانداختن اقتصاد اخلاق‌گرای سنتی دانسته‌اند. با وجود عرض‌های ایده‌ها و شواهد گوناگون در مورد آثار اجتماعی پول در اصل این وظیفه‌ی نظریه‌ی اجتماعی است که قدرت تعیین کننده و بلامنازع پول را، قدرتی که در طیفی از خنثی بودن تا ارزش داشتن قرار دارد را توضیح دهد، منتها جامعه‌شناسان تا این زمان در مورد مفهوم، ساخت اجتماعی



پول، و آثار اجتماعی آن دیدگاه‌های متناقضی داشته‌اند. حتی با اینکه توافق عامی وجود دارد که پول یکی از عناصر دنیای مدرن است و در فرهنگ بین المللی علوم اجتماعی سی صفحه به مدخل پول اختصاص داده شده است، اما از توضیح مفهوم اجتماعی پول در این فرهنگ دریغ شده است.

پول و حسابداری

در بیانیه‌ی اساسی تئوری حسابداری^{۴۴} آمده است: حسابداری عبارت است از فرایند شناسایی، اندازه‌گیری و گزارشگری اطلاعات اقتصادی برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌ی استفاده‌کنندگان. هر یک از عملکردهای تشکیل‌دهنده‌ی گزاره‌ی یاد شده، در برگیرنده‌ی شناسایی رویدادهای مالی (معاملات، مبادلات و نقل و انتقالات) موسسه‌ی اقتصادی، اندازه‌گیری آثار این رویدادها بر وضعیت اقتصادی و سود و زیان موسسه و گزارش تغییرات سرچشمه گرفته از انجام آنها براساس "فرض واحد پول" (واحد اندازه‌گیری)^{۴۵} از مفروضات حسابداری، با مقیاس پول انجام می‌گیرد. با وجود خدشه‌ناپذیر بودن تجربی و تاریخی سازگاری پول و حسابداری اما هنوز این پرسش مطرح است که چگونه و از چه راه‌هایی این انطباق در کارکردهای این دو نهاد پدید آمده است؛ به‌ویژه از آن جهت که اندازه‌گیری آثار رویدادهای مالی موسسات اقتصادی با حقوق اشخاص ذی‌نفع و ذی‌علاقه پیوند دارد. بدین ترتیب پول به عنوان واحد اندازه‌گیری وجهی شاخص و بارز به‌خود می‌گیرد. این چگونگی به آن دیدگاه در مورد ویژگی‌های پول بر می‌گردد که پول را با وجود عینیت تردیدناپذیری که دارد و با آن شناخته می‌شود واقعی‌ترین قراردادی یا

ژتون مانند کرده‌اند که در حسابداری در قالب اعداد تبلور می‌یابد؛ اعدادی که نمایانگر ارزش‌اند؛ از جمله ارزش دارایی‌ها را بازتاب می‌دهد که با ضوابط دیگری تعیین می‌شوند اما بر حسب واحد پول و بر اساس کارکرد رسانایی پول در حساب‌ها و گزارش‌های مالی عرضه می‌شود. همان‌گونه که ارزیابی دارایی‌ها و بدهی و ارزیابی سود جملگی در چارچوب ضوابط دیگری از جمله استانداردهای حسابداری و الزامات قانونی صورت می‌گیرد تا وضعیت اقتصادی موسسه‌ی اقتصادی را نشان دهد. به همین ترتیب محاسبات بهره‌باهر نرخ و هر شرایطی که محاسبه شود آثار آن سرانجام در قالب اعداد تقویم شده به پول به نمایش در می‌آید.

استانداردی و به صورت محض انتزاعی دانسته است که سبب می‌شود آنگونه که پیشتر توضیح داده شد دادوستدهای چند جانبه را به صورت مستقل، بدون اینکه تاثیری بر آثار مبادلات و معاملات داشته باشد اندازه‌گیری کند، و به عنوان ابزاری غیرشخصی مالکیت با فاصله را امکان‌پذیر سازد و همگان در هر مکان و در هر زمان کاربرد آن را قطعی بشمارند و به رسمیت بشناسند. در واقع درک این ویژگی‌های پول است که خنثی بودن آن را تأیید می‌کند و به این نظریه که پول در اینگونه کارکردهایش باز نمای مفهوم نظری-شناختی واقعیت پول است اعتبار می‌بخشد. از این جهات موجودیتی همسنگ "ثبت حسابداری" برای پول قائل شده‌اند و در ساده‌شده‌ترین توصیف آن را به کوپن یا

بزرگ) را از آن خود کرد و سلسله یوان را سال ۱۲۷۱ (میلادی) در این کشور تأسیس نهاد. (برگرفته از: ویکی پدیا؛ دانشنامه آزاد، به تاریخ: هفتم آذر ۱۳۹۲).

20. Marx, K. 1961. Capital, vol. 1, Moscow: Foreign Languages Publishing House. 1964. Pre-capitalist economic formations, London: Lawrence and Wishart.

21. leveller

22. Alfred Marshal (1924-1842)

23. Charles H. Cooley (1929 – 1864)

24. rationalisation

25. abstraction

26. Joseph Shumpeter (1950 – 1883)

27. Philosophy of Money

28. calculation

29. cognitive

30. ر. ک به پی‌نوشت شماره‌ی 7

31. Gemeinschaft

32. Gesellschaft

33. fetishism

34. Jürgen Habermas (1929 - . . .)

35. depersonalise

36. solidarity

37. integration

38. Talcott Parsons (1979 – 1902)

39. German Historical School

40. Post-Keynesian Economics

41. Entity

42. Anthony Giddens (1938 - . . .)

43. Symbolic Token

44. Statement of Basic Accounting Theory

45. The Monetary unit assumption

1. John Maynard Keynes (1946-1883)

2. Leitaer, B. 200: The Future of Money. London: Century.

3. Karl Marx (1883 – 1818)

4. Marx, K. 1970. A Contribution to a Critique of Political Economy. Moscow: Progress Publishers.

5. Georg Simmel (1918-1858)

6. Alan Macfarlane (1941 - . . .)

7. Simmel, G. 1978. The philosophy of money. London: Routledge and Kegan Paul.

جورج زیمل (1858 – 1918) فیلسوف، جامعه‌شناس و منتقد آلمانی است.

8. Michel Foucault (1984-1926)

9. David Ricardo (1823-1772)

10. Aristotle (384 قبل از میلاد - 322 قبل از میلاد)

11. human institution

12. human phenomenon

13. division of labour

14. surplus product

15. Aristotle (1970) The Ethics of Aristotle, trans. J. A. K. Thomson, London, Penguin Classic

16. Adam Smith (1790 – 1723)

17. The Wealth of Nations

18. Reification

19. Kublai Khan (1294 – 1215)

قوبلای خان (یا کوبلای خان؛ متولد: چهارشنبه ۲۳ سپتامبر ۱۲۱۵

(میلادی) برابر ۱ مهر ۵۹۴؛ درگذشت: پنج‌شنبه ۱۸ فوریه ۱۲۹۴

(میلادی) برابر ۳۰ بهمن ۶۷۲ در پکن)، یکی از نوادگان چنگیز خان

بود، که بین سال‌های ۱۲۶۰ (میلادی) تا ۱۲۹۴ (میلادی) حکومت

کرد و به این ترتیب، پنجمین خان بزرگ امپراتوری مغول بود.

پس از تقسیم امپراتوری، کوبلای چین (و به این ترتیب لقب خان

منابع

Goudsmit, S. 2004. The Limits of Money. Eburon Delft, Netherlands.

Ingham, Geoffrey K. 2004. The Nature of Money. Polity Press. Cambridge, UK.

Karimzadi. S. 2013. Money and its Origins. Routledge. London.

Parry, J and Bloch, M. 1989. Money and the morality of exchange. Cambridge University Press. Cambridge.

Zelizer, Vivana A. 1994. The Social Meaning of Money. Basic Books. United States.

تبارشناسی معنای پول، شایسته مدنی، تارنمای انسان‌شناسی فرهنگ در نشانی در:

<http://anthropology.ir/node/15>

(برداشت: ۷/ شهریور ۱۳۹۲)

روایت فوکویی از پول، شایسته مدنی، تارنمای انسان‌شناسی فرهنگ در نشانی در:

<http://anthropology.ir/node/20163>

(برداشت: ۱۱/ آبان ۱۳۹۲)

Crump, T. 1990. The Anthropology of Numbers. Cambridge University Press. Cambridge.